

دکتر باقرپور کاشانی



چرا آتئیست تسلسل را محال نمی داند؟!

چرا آتئیست تسلسل را محال نمی‌داند؟!

سؤال: عرضم خدمت شما که همین بحث تسلسل که شما فرمودید که می‌گن تهی ندارد، چطور همچنان پای حرفشان (آتئیست‌ها) می‌مانند وقتی که این پاسخ را به ایشان می‌دهید؟!

در جمع‌بندی عرض کردم که، این جلسه ما خطر آتئیست، روش کارشان، حمله‌هایی که می‌کنند به چه صورت است، روش پاسخ‌شان به چه صورت هست، توضیح دادم.

تسلسل، ما با این‌ها که بحث می‌کنیم، می‌گویند بله، تسلسل محال است وقتی که اجتماع نقیضین محال باشد؛ اجتماع نقیضین وقتی محال باشد، ولی می‌گویند ما اجتماع نقیضین را محال نمی‌دانیم، ولی می‌گویند ما تسلسل را باطل نمی‌دانیم!

یعنی تسلسل، این‌که سلسله علت و معلول این‌طوری هست که بالاخره در تمام این‌ها فقر خوابیده است، باید به یک حقیقتی برسد که نیازمند باشد، باید یک وجودی باشد؛ [آتئیست‌ها] می‌گویند نه، اینکه باید یک وجودی باشد متوقف بر اجتماع نقیضین است، که آقا باید یک وجودی باشد، وجود با عدم قابل جمع نیست. می‌گویند ما اجتماع نقیضین را محال نمی‌دانیم که حالا این‌ها محال نمی‌دانند، بحث با این‌ها این هست که اجتماع نقیضین امر بدیهی هست، امر بدیهی برهان‌بردار نیست، باید تذکر بدهی به آن‌ها بگویید، یعنی اکنون این بود با نبود می‌شود یکی باشد؟

هی باید به ایشان تذکر بدهی، تذکر تذکر تذکر... اگر به ایشان بگویی، هرچی تذکر بدهی نمی‌پذیرند، بگو آقا پس با شما کار عقلی نمی‌شود کرد، استدلال عقلی با شما نمی‌شود کرد، شما می‌گویید چی؟

برای من برهان عقلی ارائه بده، برهان عقلی؛ در برهان ذکر شده که برهان استدلالی هست که مقدمه‌اش بدیهیات باشد، متوقف به بدیهات باشد، شما بدیهیات را انکار می‌کنید؛ بعد با شما استدلال عقلی نمی‌شود کرد، با شما کار عقلی دیگه نمی‌شود کرد.

یعنی کار عقلی وقتی است که مقدمات عقلی که وجدانی است و بدیهی‌ست، روش حرفی نداشته باشیم، حالا روشن هم هست، این بود با نبود باهم فرق می‌کند؛ بوده خودکار با نبوده خودکار یکی است؟ بود با نبود فرق می‌کند، همین رو بپذیرد بس هست! نمی‌خواهد بپذیرد!...

مثل این می‌ماند که هرچی بهش بگویی دو دوتا چهارتا، می‌گوید نه! من می‌خوام بگویم شیش‌تا!

آن را هیچ کاری نمی‌شود کرد.

باید اول برهان عقلی را بپذیرد، تسلسل متوقف بر اجتماع نقیضین هست و برهان «أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ» (آیه ۳۵ - سوره طور) به تسلسل که مطرح شد، و اثبات یک حقیقت قائم به خود می‌کند، یک حقیقتی که فقیر نباشد، و طبیعتاً ماده، این ویژگی‌های فقر و نیاز و احتیاج در او خوابیده، پس باید حقیقتی مادی نباشد، غیر مادی باید باشد، حقیقتی فرامادی باید باشد.



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir